

پیام‌های یک ایده استراتژیک برای سیاست خارجی

هم گفت‌وگو کنید هم امید نبندید

داشت به کار بست، اما با گذشت چند ماه، نتیجه‌آنی نشد که اهالی یاستور انتظارش را داشتند و درنهایت آبی از مذاکرات با اروپایی‌ها گرم نشد. حالا یک برجام است و هزار و یک خورار و وعده محقق نشده از سوی چشم‌آبی‌ها

که روی دست بانیان ایده مذاکره برای توسعه کشور مانده؛ وعده‌هاو مطالباتی که با شرایط موجود به نظر می‌رسد امید به نقدشدن‌شان چیزی بیش از رویاپردازی نباشد. در چنین بستری است که رهبر انقلاب سخن از قطع امید از مذاکره

عضو هیات علمی دانشگاه تهران:

با ادامه برجام ثابت کردیم مشکل از ما نیست



سیدمحمد مرندی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران با اشاره به تاکید رهبر انقلاب مبنی بر قطع امید از اروپا در موضوعاتی چون برجام و اقتصاد اظهار داشت: «نظر ایشان قطع رابطه با اروپاییست، ولی باید توجه داشت که براساس اظهارات دکتر ظریف و دیگر مقامات دولتی اروپایی‌ها تاکنون اقدام عملی برای حفظ برجام انجام نداده‌اند.» وی افزود: «اگر اروپایی‌ها به هر دلیل از جمله فشارهای آمریکا در حوزه تحریم‌ها خود را کنار بکشند، عملا در میان کشورهای طرف توافق هسته‌ای فقط روسیه و چین باقی می‌مانند و این در حالی است که ما با روسیه و چین چه با برجام و

چه بدون آن همکاری اقتصادی داریم.» این کارشناس مسائل بین الملل با تاکید بر اینکه در چنین شرایطی اگر اروپایی‌ها شیوه خود را عوض نکنند، نهایتا ایران از برجام خارج می‌شود، ادامه داد: «هشدار رهبر انقلاب ناظر بر آن بود که ما به مذاکرات ادامه دهیم، ولی به اروپایی‌ها نیز تفهیم کنیم که اگر در مقابل آمریکا اقدام عملی نکنند، دلیل موجهی برای ماندن ایران در برجام باقی نمی‌ماند.» مرندی خاطرنشان کرد: «اگر ایران از برجام خارج شود، مطمئنا اروپایی‌ها در آینده دیگر هیچ گاه توافقی را که در آن امتیازات اینچنینی از سوی ایران دربر داشته باشد نخواهند دید.» وی پیام خارجی این موضع گیری را هشدار به اروپا مبنی بر آنکه حرف کافی بوده و اقدام عملی لازم است، دانست و یادآور شد: «پیام بیانات رهبر انقلاب برای داخلی‌ها هم آن است که خود را آماده کرده و در شرایط بی‌عملی اروپا راهکارهای عملی تقویت اقتصاد در برابر حمله اقتصادی آمریکا

«ارتباط و ادامه مذاکره با اروپا ایراد ندارد، اما باید ضمن ادامه این کار، از آنها درباره مسائلی نظیر برجام یا اقتصاد، قطع امید کنید؛» ایسن فرمان صریح رهبر انقلاب خطاب به اعضای هیات دولت و به‌طور ویژه دستنگاه دیپلماسی آن بود. رهبر انقلاب با انتقاد از رفتار نامناسب اروپا در مسائلی نظیر برجام و تحریم‌ها خاطرنشان کردند: «باید با نگاه شک‌آلود به وعده‌های آنها، از روند مسائل مراقبت جدی کرد.» این شاید صریح‌ترین انداز آیت الله خامنه‌ای در ماه‌های پس از خروج آمریکا از برجام بود؛ اتفاقی که

سفیر اسبق ایران در سوئیس:

ریل گذاری برای افزایش توان چانه‌زنی با اروپا



محمدحسین ملانک، سفیر پیشین ایران در کشورهای چین و سوئیس با اشاره به بیانات رهبر انقلاب در دیدار با اعضای هیات دولت مبنی بر لزوم قطع امید از اروپایی‌ها درباره مسائلی نظیر برجام یا اقتصاد، در عین ارتباط و ادامه مذاکره با آنها، به «فرهیختگان» گفت: «هدف از طرح این موضوع افزایش توان دیپلمات‌ها در چانه‌زنی سیاسی با اروپایی‌ها بود.»

وی افزود: «تاکید بر موضعی از این دست باعث خواهد شد طرف مقابل حاضر به دادن امتیازات بیشتری به ایران شود.»

به گفته ملانک، این مواضع باعث خواهد شد فشار بیشتری به اروپا وارد شود و منجر به آن شود که اروپایی‌ها تصور نکنند برای محدودسازی ایران و اعمال فشار بر آن از دایره عمل گسترده‌ای برخوردار هستند و در مقابل، آنها را به این جمع خواهد رساند که مطالبات ایران را جدی تر گرفته

وا از ادامه مسیر قبلی خودداری کنند.

سفیر اسبق ایران در سوئیس در ادامه، اشاره رهبری به قطع امید از همکاری اقتصادی با اروپا را ناظر به تعهداتی چون عادی سازی روابط بانکی و خرید نفت

ارزبایی کرد و گفت: «مفهوم سیاسی امید نداشتن به اروپا آن است که آنها بیش از این باید در جهت تامین منافع ایران قدم بردارند.»

ملانک برداشت‌هایی چون «قطع روابط با اروپا و سایر کشورها» از این بیانات را از اساس منتفی دانست و بخشی از تاثیر آن را ناظر به تحولات داخلی تفسیر کرد. وی افزود: «خیلی‌ها در ایران امید خود را به آن بسته‌اند تا مذاکرات با اروپا به فرجام

چپ هاشمی‌رفسنجانی تاویل کرد.

با پیروزی روحانی در سال ۹۲ قدرت سیاسی میان دو حزب یادشده تقسیم شد؛ وزارت ارتباطات، نهاد ریاست جمهوری و چند پست و معاونت دیگر به اعتدال و توسعه‌ای‌ها رسید و معاون اولی و چند جایگاه دیگر به کارگزارانی‌ها. حسن روحانی هرچند خود را عضوی از اعتدال و توسعه می‌دانست، اما به علت رابطه نسبتا نزدیکی که با کارگزارانی‌ها داشت، در طول دولت اول تلاش کرد توازن میان این دو گروه را حفظ کند.

انتخابات آغاز اختلاف

با فرارسیدن انتخابات سال ۹۶ و تشدید مشکلات اقتصادی، ناکارآمدی دولت نمایان شد، به‌گونه‌ای که گمانه‌زنی‌ها حاکمیت از شانس نه‌چندان زیاد روحانی در انتخابات داشتند. در این شرایط اعتدال و توسعه تاکید ویژه‌ای داشت که روحانی می‌تواند به تنهایی اکثریت رای مردم را جذب کند و کارگزارانی‌ها که به گونه‌ای تحت تاثیر برخی افراد در جریان اصلاحات هم بودند، معتقد بودند یک آلت‌ریزایی قابل اعتنا باید در کنار روحانی وارد فرایند انتخابات شود. پافشاری بر این ایده هم آنقدر ادامه یافت تا بالاخره در آخرین ساعت مهلت نام‌نویسی روحانی پذیرفت که اسحاق جهانگیری در انتخابات ثبت‌نام کند. این رفت و آمد سیاسی هرچند نهایتا پیروزی انتخاباتی را برای روحانی به ارمغان آورد، اما در آخر باعث شد فاصله جدی میان روحانی با رقیب نوشکفته خود یعنی اسحاق جهانگیری، عضو ارشد کارگزاران ایجاد شود، به این صورت که حسن روحانی در عین حال که به دلیل محدودیت‌های عمل سیاسی نمی‌توانست جهانگیری را در جایگاه معاونت اولی ابانکند، با انتقال واعظی به دفتر رئیس جمهور عملا با ایجاد یک تمرکز قدرت با محوریت دفتر خود، دیگر بازیگران مدعیان را از دور خارج کرد.

شکست‌های پیاپی در مدیریت اقتصاد کشور نهایتا باعث ایجاد نارضایتی توسعه یافته‌ای در کشور شد و همزمان چالش قدرت میان کارگزاران و اعتدال و توسعه هم اتحاد و انسجام دولت را گرفت و هم باعث چالش سیاسی-رسانه‌ای شد، به گونه‌ای که رسانه‌های نزدیک به محمدباقر نوخیز و محمود واعظی از لزوم تغییر ربیعی و حتی جهانگیری می‌گفتند و جناح مقابل گلابه‌مند تثبیت نوخیز و تمرکز قدرت در دفتر رئیس جمهور.

گزارش

اوج درگیری درون حزبی در دولت؛ کارگزاران و اعتدال و توسعه با بیانیه جواب هم را دادند

پریشان‌گویی‌های کارگزاران درباره دولت ادامه دارد



بیانیه کارگزاران: دولت مرد رزم می‌خواهد نه مرد بزم!

این فرآیند تا بعد از سه‌سوال اخیر مجلس از رئیس جمهور ادامه داشت تا اینکه حزب کارگزاران ناگهان در بیانیه‌ای منتقدانه نسبت به اقدامات دولت که با تیترب «دولت خون تازه می‌خواهد» منتشر شد، چندین ایراد اساسی را به حسن روحانی گوشزد کرد؛ انتقادات تند و تیزی که هم معطوف به افراد حاضر در دولت بود، هم رویکردهای کلی حاکم بر آن. کارگزارانی‌ها در این بیانیه از فقدان استراتژی اقتصادی روشن در دولت گله و تاکید کردند دولت سرگشته در میان مکاتب و اندیشه‌های اقتصادی است. آنها همچنین مصداق بزرگ این سرگشتگی را سیاست‌های ارزی و اهماال دولت دانستند و گفتند این رفتارها باعث شده گاه زمینه فساد و رانت‌خواری در کشور ایجاد شود. این مسائل البته در حالی منتشر می‌شود که اسحاق جهانگیری نه تنها در جایگاه معاونت اولی بلکه در ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی مدت‌ها فرماندهی بخش مهمی از تیم اقتصادی دولت را برعهده داشت و نه تنها جدای از دولت نبوده، بلکه در اقدامات مهم دولت تاثیرگذاری مهمی نیز داشته است.

جهانگیری، سوپرمن و تلاش برای پاک کردن ردپا

از طرف دیگر باید گفت این انتقاد نسبت به تصمیمات ارزی دولت متفاوت از واقعیاتی است که در ماجرای تعیین نرخ ارز در یکی دو ماه اخیر رخ داده، چرا که مهم‌ترین فردی که نامش برای مدت‌ها درخصوص این ماجرا بر سر زبان‌ها بود کسی

نیست جز اسحاق جهانگیری که تصمیم مهم دولت در مورد ارز ۲۲۰۰ تومانی را که بعدا به اصطلاح دلار جهانگیری معروف شد، اعلام کرد و همان زمان روزنامه‌سازندگی با انتشار عکسی نمادین از سوپرمن با چهره اسحاق جهانگیری تلاش کرد حضور او در ستاد فرماندهی اقتصادی کشور را تاریخ ساز و موجب بازگشت شرایط ملتهب اقتصادی به ثبات تعبیر کند.

کارگزاران سازندگی در عین حال روایتی هم از غافلگیری دولت

درخصوص رابطه با آمریکا و آخرین انتخابات ریاست جمهوری در این کشور دارد و می‌نویسد: «متأسفانه پیش‌بینی خوش‌بینانه از انتخابات آمریکا و در نظر نگرفتن پدیده ترامپ منجر به غافلگیری دولت شد، گرچه استادان روابط بین‌الملل معتقدند حتی در صورت ریاست جمهوری هیلاری کلینتون امکان اخلا

صورت وجود داشت.» در برجام وجود داشت. این موضوع را البته اسحاق جهانگیری قبلا هم مطرح کرده و یکبار معترف شده بود که دولت درخصوص آمریکایی‌ها غافلگیر شده و انتظار این را نداشته که آنها از برجام خارج شوند و این نشان می‌دهد عمت اشتباه راهبردی دولت که بخشی از آن را همین اعضای حزب کارگزاران تشکیل می‌دهند چقدر بوده که حالا عذرخواهی چندباره‌ای در مورد آن صورت می‌گیرد. در این زمینه نباید فراموش کرد که دقیقا یک سال پیش از خروج آمریکا از برجام، اسحاق جهانگیری درخصوص برجام اظهارنظر کرده و گفته بود «ما در برجام به تمام اهدافمان رسیدیم.»

در این میان اما موضوعی که باعث شد جنجال و درگیری میان کارگزاران-اعتدال و توسعه دوباره سر به آسمان بگذارد، بندی از همین بیانیه انتقادی به دولت بود؛ بخشی که در آن صریحا حضور محمدباقر نوخیز را در جایگاه معاونت رئیس جمهوری و رئیس سازمان برنامه و بودجه عاملی از عوامل چالش بزرگ اقتصادی معرفی کرده و گفته شده بود: «با وجود آنکه انتظار می‌رفت در دولت دوم دکتر روحانی هماهنگی و کارآمدی ستاد اقتصادی دولت بیشتر شود، اما اصرار بر حفظ رئیس سازمان برنامه و بودجه سبب شد این اصلاح ضروری رخ ندهد. ما به جد

معتمدیم سازمان برنامه و بودجه مغز متفکر اقتصادی دولت است و به همین علت برای اصلاح عملکرد دولت نیاز به تغییر در این مدیریت وجود دارد.» کارگزارانی‌ها علاوه بر اینکه قبلا نیز در روزنامه ارگان خود یعنی «سازندگی» گفته بودند اولین فردی که باید تغییر کند کسی جز محمدباقر نوخیز نیست، در بیانیه خود با عطف عبارت «مردان «بزم» را در شرایط «رزم» نمی‌توان به کار گرفت»، بیشتر از گذشته به دبیرکل حزب اعتدال و توسعه تاختند تا درگیری حزبی درون دولت را به اوج خود برسانند و باعث شوند حزب رقیب هم در بیانیه‌ای شدیدالحن پاسخ بدهد.

افشاگری اعتدال و توسعه علیه کارگزاران!

حزب اعتدال و توسعه تنها چند ساعت بعد از بیانیه کارگزاران، در متنی که از قول سازمان جوانان خود منتشر می‌کرد، نوشت: «تهاجم به رئیس جمهوری و دولت در این شرایط ناجوانمردانه است.» اعتدال و توسعه‌ای‌ها که همچنین بیانیه کارگزاران را جاخالی دادن سیاسی تعبیر می‌کردند، در انتقاد به رفتارهای اسحاق جهانگیری نوشتند: «با اختیارات ویژه و گسترده و در مواردی تاریخی و فرادولتی در حوزه‌های مدیریت کلان اقتصادی از جمله اقتصاد مقاومتی، مقابله با تحریم و مسائل راهبردی مانند مدیریت ارز که از سه‌سوی رهبر معظم انقلاب و رئیس جمهوری و دولت به برخی مقامات ارشد اجرایی برآمده از کارگزاران تفویض و واگذار شده، بیانیه مذکور پیش و بیش از همه، نوعی خودانتقادی و زیر سؤال بردن عملکرد بزرگان خود ارزیابی می‌شود.»

این حزب نزدیک به رئیس جمهور که از بیانیه کارگزاران آشفته شده بود، حتی دست به افشاگری هم زد و در بند دیگری نوشت: «ارایش تهاجمی رسانه‌ای این حزب با رویکرد مطالبه‌گرایانه توأم با مظلوم‌نمایی، یادآور برخی وقایع تلخ تاریخی است. حزب کارگزاران سازندگی پس از انتخابات دوم خرداد ۷۶ ترجیح داد به دولت وقت نزدیک شده و حداکثر حضور در مناصب دولتی را تجربه کند و همزمان برابر موج گسترده تخریب شخصیت و کارنامه عملکرد دولت و شخصیت مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، حتی نسبت به عملکرد چهره‌های شاخص خود که در دوران پرافتخار دولت سازندگی مسئولیت داشتند کمترین اقدام و واکنشی نشان نداد.»

در این زمینه اما علاوه بر درگیری درون خانوادگی دولت که قطعلا مانعی برای حل مشکلات اقتصادی و رفتاری‌های روزافزون مردم است، چیزی که بیشتر از همه به چشم می‌آید، صحت انتقادات منتقدان دانشوز به دولت حسن روحانی در سال‌های گذشته است؛ همان حرف‌هایی که آن زمان که باید شنیده شود، شنیده نشد و حالا با افشاگری‌های دو حزب یادشده صحت آنها اثبات می‌شود.

فقدان ایده برای مدیریت اقتصادی دولت، اعتماد و اتکای بیش از حد به غرب و آمریکا، استفاده از نیروهای پیر و کم‌حرکت و چندین و چند معضل دیگر که هم شناسایی آنها به‌عنوان یک ایراد اساسی است و هم ریشه آنها در دولت از سوی کارگزاران

و اعتدال و توسعه صورت گرفته، نشان می‌دهد این دو حوزب و اعضای آنها از سال ۹۲ تاکنون چگونه در جریان انحراف دولت

از مسیر موفقیت قرار داشته‌اند و برای اصلاح کاری نکرده‌اند.